

حجة بن الحسن عجل الله فرجه نهی می‌کند. البته این موضوع از ابعاد مختلف باید مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد، چنان که مرجع عالی‌قدر امام خمینی - اعلی الله مقامه - در باب ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام الهی در عصر غیبت بحثی مستوفی در کتاب ولایت فقیه کرده‌اند.

اما نویسنده که به مناسبت نیمه شعبان ۱۴۲۴ این مختصر را تقدیم می‌کند، تنها از منظر روایات به آن می‌پردازد و اخباری که در مجامع حدیثی آمده مطمح نظر قرار داده، به ارائه و نقد آنها اقدام می‌کند.

مرجع عمده نویسنده کتاب شریف وسائل الشیعه است که در باب سیزدهم از ابواب «جهاد العدو وما یناسبه» هفده روایت تحت عنوان «باب حکم الخروج بالسیف قبل قیام القائم علیه السلام» ذکر کرده. همچنین در مستدرک الوسائل، باب دوازدهم، چهارده حدیث ذیل همین عنوان نقل شده است. این روایات معمولاً مستمسک بعضی برای اعتقاد به سکوت و سکون در برابر طاغوتها و مظالم حکام جور، و عدم جواز قیام و اقدام برای اقامه عدل و استقرار حکومت دینی در حد وظیفه، پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) می‌باشد. از این رو مناسب است که این گونه روایات - به ترتیبی که در وسائل الشیعه آمده - مورد بررسی قرار گیرد، و در پایان مقال، مطالب مستفاد از آنها جمع‌بندی و عرضه شود.

بررسی روایاتی درباره قیام پیش از ظهور حضرت مهدی (عج)

عبدالکریم عبداللّهی

استادیار دانشکده الهیات مشهد

از جمله موضوعات دینی که مورد اختلاف است و دستاویزی برای مخالفان حکومت اسلامی شده، روایاتی است که قیام و اقدام به تشکیل حکومت را در زمان غیبت حضرت

۱- روایت عیص^۱ بن قاسم

وی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

بر شما باد به تقوای خدای یکتا که شریکی ندارد، مواظب (کارهای) خودتان باشید، به خدا سوگند، مردی که برای گوسفندان خود چوپانی دارد، هرگاه چوپان دیگری بیاید که (در کار چوپانی) داناتر از چوپان اولی باشد، گوسفندان را به داناتر می سپارد.

به خدا سوگند اگر هر یک از شما دارای دو جان بود تا با یکی نبرد می کرد و تجربه می آموخت و با دیگری می ماند و تجربه آموخته را به کار می بست^۲، [خوب بود] ولی آدمی یک جان بیشتر ندارد، همین که یک جان (بیرون) رفت، به خدا سوگند، جای توبه (و بازگشت و جبران خطا نیز) از دست رفته است. پس شما سزاوارتر و بهتر می توانید برای خود (آنچه خیر و صلاح است) انتخاب کنید.

هرگاه کسی از ما خاندان (برای قیام) نزد شما آید، مواظب باشید که برای چه هدف و منظوری قیام می کند.

نگوید «زید (بن علی علیه السلام) خروج کرد (پس برای ما هم خروج، جایز است)؛ زیرا «زید» شخص دانا و راستگویی بود و شما را به (حاکمیت) خودش دعوت نمی کرد، (بلکه) او شما را به رضای آل محمد علیهم السلام (یعنی به شخص مرضی از آل محمد علیهم السلام) دعوت می کرده و اگر پیروز شده بود قطعاً به آنچه شما را

بدان فرا خوانده بود (یعنی به شخص پسندیده از آل محمد علیهم السلام) وفادار بود.

جز این نبود که او به قدرت متمرکزی (مانند حکومت بنی امیه که آماده دفاع بود) شورید تا آن را بشکند.

اما آن کس که امروز از خاندان ما خروج کند (مانند محمد بن عبدالله محض) شما را به چه چیز (و عنوانی) فرا می خواند؟

آیا به همان (شخص) مرضی از آل محمد علیهم السلام؟ که ما آل محمد علیهم السلام شهادت می دهیم (یا شما را گواه می گیریم) که به آن راضی نیستیم. او که امروز تنها و بی کسی است نافرمانی ما را می کند، پس هنگامی که پرچمها و بیرقها را به دنبال خود ببیند، سزاوارتر است که سخن ما را نشنود.

به خدا سوگند صاحب الأمر (و رهبر) شما نیست مگر کسی که بنی فاطمه علیها السلام با او اجتماع کنند، هرگاه فرزندان فاطمه علیها السلام بر او گرد آیند و ماه رجب بود پس با نام خدای عزوجل (به قیام) روی آورید، و چنانچه خواستید تا ماه شعبان به تأخیر اندازید زبانی ندارد و اگر هم خواستید تأخیر بیندازید تا روزه

۱- به کسر عین (بنگرید به: تنقیح المقال، ج ۲، ص ۳۶۴، شماره ۹۳۴۲).

۲- به گفته سعدی:

مرد خردمند هنرپیشه را

عمر دو بایست در این روزگار

تا به یکی تجربه آموختن

با دگری تجربه بردن به کار

ماه رمضان را در میان خانواده‌های خود بگیرید، پس شاید موجب نیروی بیشتری برای شما باشد و خروج سُفیان‌ی به عنوان نشانه کافی است^۱.

۲- روایت دیگر عیص بن قاسم

وی گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم

۱ - روضة الكافي، ثقة الإسلام، ابو جعفر محمد بن يعقوب، حديث شماره ۳۸۱؛ وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۳۵، باب ۱۲ از ابواب جهاد العدو، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱، باب ۲۶، ح ۶۷:

علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن صفوان بن يحيى، عن عیص بن القاسم قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: «عليكم بتقوى الله وحده لا شريك له وانظروا لأنفسكم، فوالله إن الرجل ليكون له الغنم فيها الراعي، فاذا وجد رجلاً هو أعلم بغنمه من الذي هو فيها، يخرجها ويحیی بذلك الرجل الذي هو أعلم بغنمه من الذي كان فيها.

والله لو كانت لأحدكم نفسان يقاتل بواحدة يجرب بها ثم كانت الأخرى باقية يعمل [فعمل] على ما قد استبان لها، ولكن له نفس واحدة، إذا ذهبت فقد والله ذهبت التوبة، فأنتم أحق أن تختاروا لأنفسكم. إن أتاكم آت منّا فانظروا على أي شيء تخرجون؟ ولا تقولوا خرج زيد، فإن زيدا كان عالماً وكان صدوقاً ولم يدعكم إلى نفسه، وإنما دعاكم إلى الرضا من آل محمد عليهم السلام ولو ظهر لوفى بما دعاكم إليه، إنما خرج إلى سلطان مجتمع لينقضه، فالخارج منّا اليوم إلى أي شيء يدعوكم؟ إلى الرضا من آل محمد عليهم السلام؟ فنحن نشهدكم أننا لسنا نرضى به، وهو يعصينا اليوم وليس معه أحد، وهو إذا كانت الرايات والألوية أجدر أن لا يسمع منّا إلا من اجتمعت بنو فاطمة معه، فوالله ما صاحبكم إلا من اجتمعوا عليه، إذا كان رجب فاقبلوا على اسم الله عز وجل وإن أحببتهم أن تتأخروا إلى شعبان فلا ضير، وإن أحببتهم أن تصوموا في أهاليكم فلعل ذلك يكون أقوى لكم، وكفاكم بالسفیانى علامة».

۲ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول عليهم السلام، ج ۲۶، ص ۲۵۷.

۳ - همان، ص ۲۵۸: قوله عليه السلام: «إلى سلطان مجتمع» أي فلذلك لم يظفر.

سند

همان‌گونه که علامه مجلسی علیه السلام در کتاب شریف مرآة العقول^۲ نوشته است سند روایت یادشده «حسن» و معتبر است.

مُفَاد

۱ - لزوم دقت کامل در انتخاب رهبری؛ زیرا همان‌طوری که به حکم عقل فطری باید برای نگهداری گوسفندان دقت کرد تا بهترین چوپان انتخاب شود، برای انتخاب رهبری که حفظ کیان اسلام و شؤون مسلمانان بسته به آن است به طریق اولی باید دقت کرد.

۲ - تجلیل از مقام زید بن علی بن الحسین علیه السلام و تأیید قیام آن جناب و اینکه برای دفاع از حق خروج کرده بود.

۳ - علت شکست قیام آن جناب، آن گونه که علامه مجلسی از عبارت «إلى سلطان مجتمع» استفاده کرده^۳، انسجام و تمرکز قدرت بنی امیه و آمادگی برای دفاع بود.

۴ - نهی از همراهی با جاه‌طلبان و قیامهای نفسانی.

۵ - بیان برخی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی (عج).

که می فرمود:

بر شما باد به تقوای الهی، مواظب خودتان باشید؛ زیرا سزاوارترین کسی که باید مواظب آن باشید خود شما هستید؛ هرگاه برای یکی از شما دو جان بود که یکی را مقدّم می داشت و تجربه می آموخت و باد دیگری به استقبال توبه می رفت (خوب) بود، ولی آدمی یک جان دارد که هرگاه برود، به خدا سوگند، توبه (نیز) رفته است.

اگر از خاندان ما (مانند محمّد بن عبدالله محض) به سراغ شما آمد تا شما را به شخص پسندیده از آل محمّد ﷺ فراخواند، پس ما شما را گواه می گیریم که راضی نیستیم؛ امروز در حالی که او تنها و بی کسی است از ما فرمان نمی برد، چه رسد به زمانی که پرچمها و بیرقها برافراشته شود (و دارای اعوان و انصار باشد).^۱

مُفَاد

در باره مفاد این روایت به مفاد روایت پیشین مراجعه شود که تفصیلاً نگاشته شد.

۳- روایت مرفوعه ربّعی

ربّعی بن عبدالله بن جارود از امام سجّاد زین العابدین علی بن الحسین ﷺ روایت می کند که آن حضرت فرمود:

به خدا سوگند هیچ یک از ما (خاندان پیامبر ﷺ) پیش از ظهور حضرت قائم ﷺ خروج نمی کند مگر اینکه مثل او همچون جوجه ای است که پیش از محکم شدن بالهایش

از آشیانه خود پرواز کند (و به زمین بیفتد)، پس کودکان او را بگیرند و با او بازی کنند (و بازیچه دست بچه ها شود).^۲

عین مضمون روایت یاد شده در کتاب غیبت نُعمانی نیز از امام باقر ﷺ نقل شده است.^۳

۱- علل الشرائع، ابوجعفر محمّد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، ابن بابویه، چاپ نجف اشرف، ۱۳۸۵ هـ، ص ۵۷۷، باب ۳۸۵- نوادر العلل، ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۸: حدّثنا محمّد بن علی ماجیلویه، حدّثنا علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن یحیی بن عمران الهمدانی، ومحمّد بن اسماعیل بن بزیع، عن یونس بن عبدالرحمن، عن العیص بن القاسم، قال: سمعت أبا عبدالله ﷺ یقول:

«تقوا الله وانظروا لأنفسکم فإنّ أحق من نظر لها أنتم، لو كان لأحدکم نفسان فقدم إحداهما وجرب بها، استقبل بالأخری کان، ولكنّها نفس واحدة إذا ذهبت فقد ذهبت التوبة؛ إن أناکم منّا أت لیدعوکم إلی الرضا منّا فنحن نشهدکم [نشهدکم] أنّا لا نرضی، إنه لا یطیعنا الیوم وهو وحده وکیف یطیعنا إذا ارتفعت الرّایات والأعلام.»

۲- روضة الکافی، حدیث شماره ۳۸۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۶، ح ۲:

علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن حمّاد بن عیسی، عن ربّعی رفعه، عن علی بن الحسین ﷺ قال: «والله لا یخرج واحدٌ منّا قبل خروج القائم ﷺ إلا کان مثله مثل فرخ طار من وکره قبل أن یستوی جناحاه، فأخذہ الصبیان فعبثوا به.»

۳- غیبت نُعمانی، باب ۱۱، حدیث شماره ۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹، باب ۲۲، ح ۴۸: حدّثنا محمّد بن همّام قال: حدّثنا جعفر بن محمّد بن مالک قال: حدّثنی أحمد بن علی الجعفی، عن محمّد بن المثنی الحضرمی، عن أبیه، عن عثمان بن زید، عن

←

سند

۲ - احتمال «تقیّه» در شرایط اختناق سیاسی حکومت مخوف عباسیان.

روایت یاد شده از نظر سند مرفوع است؛ یعنی روایتی که منتسب به معصوم باشد؛ هر چند یک یا چند تن از وسط یا آخر سلسله سند افتاده و به رفع آن تصریح شده باشد. بنابراین، روایت یاد شده از اقسام روایات مُرسل شمرده می‌شود^۱ که از انواع روایات ضعیف است.

۵- روایت ابی الجارود

ابوالجارود زیاد بن مُنذر گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

هیچ یک از ما خاندان نیست که ظلم و ناروایی را دفع و مردم را به حق دعوت کند مگر اینکه گرفتاری او را به زانو درآورده تا اینکه گروهی که شاهد در جنگ بدر بودند قیام کنند؛ گروهی که کشتگانشان به خاک سپرده نشود و مجروحانشان مداوا نگرند.

عرض کردم: منظور از این گروه چه کسانی است؟

فرمود: فرشتگان^۳.

مُفاد

۱ - احتمال اخبار از غیب.

۲ - احتمال اینکه مراد از واژه «مِنّا» خصوص امامان معصوم دوازده‌گانه باشد که قیام هر یک از آنان پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) به سبب فراهم نبودن شرایط از عِدّه و عُده و فقدان امکانات لازم، به شکست خواهد انجامید.

۴- روایت متوکل بن هارون

وی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

هیچ یک از ما اهل بیت تا روز قیام قائم ما (حجة بن الحسن العسکری عج) برای جلوگیری از ستمی یا برای به پا داشتن حقّی خروج نمی‌کند، مگر اینکه بلا و آفتی او را ریشه‌کن کند و قیام او بر اندوه ما و شیعیان ما بیفزاید^۲.

مُفاد

۱ - احتمال آنچه در روایت مرفوعه ربعی نگاشته شد.

→ جابر، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام قال: «مثل خروج القائم منّا أهل البيت كخروج رسول الله صلى الله عليه وآله، ومثل من خرج منّا أهل البيت قبل قيام القائم عليه السلام مثل فرخ طارّ فوق من وكره فتلاعبت به الصّبيان».

۱ - مقیاس الهدایة فی علم الدرّایة، (ضمیمه تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۹) «المرفوع، له اطلاقان: احدهما ما سقط من وسط سنده أو آخره واحد أو أكثر مع التصريح بلفظ الرفع. كأن يقال: روی الكلینی - ره - عن علی بن ابراهیم، عن أبيه رفعه، عن أبي عبد الله عليه السلام. هذا داخل فی أقسام المرسل بالمعنى الأعم».

۲ - مقدمه صحیفه سجّادیه، ترجمه و شرح فیض الإسلام، ص ۲۲.

۳ - غیبت نعمانی، باب ۱۱، حدیث شماره ۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۵، ح ۱۲۳۶۹: أخبرنا أحمد بن

←

روایت دیگری نیز مشابه روایت مزبور در غیبت نعمانی^۱ آمده است.

مُفَاد

در فرض اعتبار وصحت سند، اولاً مُفَاد آن همان است که در روایات مشابه یاد شده، مانند روایت مرفوعه ربعی نگاشته شد. ثانیاً ممکن است ناظر به فراهم نبودن شرایط خاص زمانی مانند فقدان امکانات لازم برای قیام جهانی که مؤید به تأییدات الهی چون فرشتگان است باشد.

ثالثاً با توجه به اینکه ظهور این گونه روایات، با قواعد کلی اسلامی و ادله قطعی جهاد دفاعی، امر به معروف و نهی از منکر و نیز با ضرورت دفاع از حریم اسلام و شئون مسلمانان مخالف می‌باشد در صورت تعارض باید از ظهور این روایات، صرف نظر کرد.

۶- روایت سدید صیرفی

سدیر بن حکیم بن صهیب صیرفی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود:

ای سدیر! در خانه‌ات بنشین و چون پلاسی از پلاسه‌های خانه باش (و از خانه بیرون مرو). مادامی که شب و روز آرام هستند، آرام باش، (اما) هرگاه به تو خبر رسید که سفیانی خروج کرد پس به سوی ما کوچ کن؛ هر چند با پای پیاده^۲.

سند

علامه مجلسی می‌نویسد: سند آن حسن یا مؤثق است^۳. در تنقیح المقال، سدید را حسن معرفی می‌کند، ولی صاحب معجم رجال الحديث^۴، وی را مؤثق می‌داند. بنابراین، روایت یاد شده از نظر سند، معتبر است.

مُفَاد

۱ - بیان برخی از نشانه‌های پیش از ظهور

→ محمد بن سعید قال: حدّثني علي بن الحسن التيملي قال: حدّثنا الحسن ومحمّد ابنا علي بن يوسف، عن أبيهما، عن أحمد بن علي الحلبي، عن صالح بن أبي الأسود، عن أبي الجارود قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: «ليس من أهل البيت أحد يدفع ضيماً ولا يدعو إلى حتى إلا صرعه البليّة، حتى تقوم عصابةٌ شهدت بداراً، لا يوارى قتيلاً، ولا يداوى جريحاً».

قلت: من عني (أبو جعفر عليه السلام) بذلك؟ قال: الملائكة».

۱ - غیبت نعمانی، باب ۱۱، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۶، ح ۱۲۳۶۸.

۲ - روضة الكافي، حديث شماره ۳۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۰؛ عدّه من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن عثمان بن عيسى، عن بكر بن محمد، عن سدید قال: قال أبو عبدالله عليه السلام: «يا سدير أزم بيتك، وكن حلساً من أحلاسه، واسكن ما سكن الليل والنهار، فإذا بلغك أنّ السفيناني قد خرج فارحل إلينا ولو على رجلك».

۳ - مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۲۵۹.

۴ - معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۳۷.

ولّی عصر (عج).

۲ - احتمال اینکه از قضایای شخصی و به عبارتی ناظر به مورد خاص باشد؛ زیرا اگر چه از ظاهر روایت یاد شده، لزوم سکون و سکوت تا زمان خروج سفیانی استفاده می‌شود، اما با توجه به ویژگیها و حالات شخصی «سدیر» مشخص می‌شود که وی هر چند دارای خلوص نیت بود، لکن فردی احساسی بوده و صلاحیت و توان قیام موفق و تشکیل حکومت دینی را نداشته است؛ زیرا درباره او از امام صادق (علیه السلام) روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: «سدیر عصیده بکلّ لون»^۱؛ سدیر به هر رنگی پیچیده است. و هنگامی که او و عبدالسلام بن عبدالرحمان به زندان افتادند، حضرت آزادی آنان را از خدا خواسته است و آزاد شدند.^۲

در اصول کافی، باب ۱۰۰، فی قلّة عدد المؤمنین، حدیث شماره ۴، روایتی نقل شده مبنی بر ایراد سدیر صیرفی به امام صادق (علیه السلام) که چرا با وجود این همه یاران، قیام نمی‌کنی، و پاسخ حضرت که اگر هفده نفر شیعه می‌داشتم قیام می‌کردم.

گفتم: به دلیل بسیاری دوستان، شیعیان و یاران شما. به خدا سوگند اگر امیر المؤمنین (علیه السلام) به اندازه شما شیعیان، یاران و دوستان داشت قبیله‌های تیم و عدی (یعنی قبیله ابوبکر و عمر) در حق خلافت او طمع نمی‌کردند.

فرمود: ای سدیر! امید است چه تعدادی باشند؟

گفتم: صد هزار.

فرمود: صد هزار؟

گفتم: آری و (بلکه) دویست هزار.

فرمود: دویست هزار؟

گفتم: آری (شاید) نصف دنیا.

(آن گاه به دنبال این گفت‌وگو، با هم به محلی در نزدیکی مدینه به نام «ینیع» رفتند و در آنجا بچه‌ای بود که چند بزغاله را می‌چرانید) حضرت به سدیر فرمود:

اگر به تعداد این بزغاله‌ها شیعه می‌داشتم، نشستن برآیم روا نبود...

سدیر می‌گوید: بزغاله‌ها را شمردم، (دیدم)

گفت‌وگوی امام صادق (علیه السلام)

با سدیر صیرفی

از سدیر صیرفی روایت شده که می‌گوید: بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدم و گفتم: به خدا سوگند نشستن برای شما روا نیست. حضرت در پاسخ فرمودند: چرا؟

۱ - در تنقیح المقال، ج ۲، ص ۸، سطر ۴، حدیث را معتبر می‌داند و آن را بر رعایت تقیّه حمل می‌کند. و در معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۶ نیز آن را محتمل المدح می‌داند.

۲ - تنقیح المقال، ج ۲، ص ۸، سطر ۳؛ معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۵: «انّی طلبت الی الّهی فی سدیر و عبدالسلام بن عبدالرحمان - وکانا فی السّجن - فوهبهما و خلی سیلهما».

روایت یاد شده از نظر سند، بر حسب نظر
علامه مجلسی رحمته الله در مرآة العقول ضعیف است.

۱ - نهی از شتابزدگی و تندروی برای پیام.

۱ - الأُصول من الکافی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، ج ۳، ص ۳۶۴، باب ۱۰۰ فی قَلَّةِ عدد المؤمنین، ح ۴: عن سدير الصَّيرفي قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقلت له: والله ما يَسْعك القعود؟ فقال: ولم يا سدير؟ قلت: لكثرة مواليك وشيعتك وأنصارك والله لو كان لأمير المؤمنين عليه السلام ما لك من الشيعة والأنصار والموالي ما طمع فيه تيمم ولا عدوى؟ فقال: يا سدير وكم عسى أن يكونوا؟ قلت: مائة ألف؟ قال: مائة ألف؟ قلت نعم، ومائتي ألف؟ قال: مائتي ألف؟ قلت: نعم ونصف الدنيا... يا سدير لو كان لي شيعة بعدد هذه الجداء ما وسعني القعود... فعدتها فإذا هي سبعة عشر».

۲ - مرآة العقول، ج ۲، ص ۲۸۰: تشبيه وتمثیلی است.
۳ - روضة الكافي، حدیث شماره ۴۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۶ (غیبت نعمانی، باب ۱۱، ح ۵ با اندکی تفاوت):

عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن محمد بن علي، عن حفص بن عاصم، عن سيف التمار، عن أبي المرفه، عن أبي جعفر عليه السلام قال: «الغبرة (با غین مضموم و سکون با، یا به فتح آن دو) علی من أثارها، هلك المحاضر، قلت: جعلت فداك وما المحاضر؟ قال: المستعجلون، أما إنهم لم يريدوا إلا من يعرض لهم. ثم قال: يا أبا المرفه أما إنهم لم يريدوك بمجحفة إلا عرض الله عز وجل لهم بشاغلي، ثم نكت أبو جعفر عليه السلام في الأرض ثم قال: يا أبا المرفه. قلت: لبيك. قال: أترى قوماً حبسوا أنفسهم على الله عز ذكره لا يجعل لهم فرجاً؟ بلى والله ليجعلن لهم فرجاً».

۷- روایت ابی المَرْهَف

ابوالمرهف از امام باقر عليه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمود:

گرد و غبار بر سر کسی نشیند که آن را برانگیخته است (هر کس فتنه‌ای به پا کند زیانش پیش از دیگران به خود او می‌رسد)^۲. محاضیر، هلاک شدند.

عرض کردم: فدایت گردم محاضیر چه کسانی هستند؟

فرمود: شتابزدگان (و تندروان). هلا آنان (یعنی حاکمان جور و مخالفان شما) کسی را زیر نظر می‌گیرند و تعقیب می‌کنند که در معرض دید آنان باشد (یا متعرض حکومت آنان شود)، سپس فرمود: ای ابوالمرهف! آنان قصد مصیبت و گزند می‌کنند مگر اینکه خداوند عز و جل برای آنان سرگرمی پیش آورد (که مانع اجرای نقشه شوم آنان گردد).

آن گاه امام باقر عليه السلام (با حال تفکر) چشم به زمین دوخت و فرمود: ای ابوالمرهف!

عرض کردم: بلی.

فرمود: آیا گروهی را دیده‌ای که جان خود را در راه خدا وقف کرده باشند و خداوند برای آنان گشایشی قرار نداده باشد؟ آری به خدا سوگند که قطعاً برای آنان گشایشی قرار خواهد داد^۳.

۲- عنایت و گشایش الهی شامل حال کسانی می‌شود که جان خود را در راه خدا وقف کرده باشند.

۸- روایت فضل کاتب

فضل بن سلیمان کاتب گوید: من در حضور امام صادق علیه السلام بودم که نامه‌ای از ابومسلم خراسانی برای او آمد، حضرت به آورنده نامه فرمود:

برای نامه تو جوابی نیست، از پیش ما بیرون برو.

پس ما شروع کردیم با یکدیگر محرمانه سخن گفتن، امام علیه السلام فرمود:

ای فضل! چه سخنی آهسته و محرمانه می‌گویید؟ همانا خداوند عزوجل به سبب شتاب بندگان، شتاب نمی‌کند. هر آینه از جا کندن کوه آسان‌تر است از برافکندن و سرنگون کردن حکومتی که عمرش به سر نیامده است. آن گاه فرمود: راستی فلان پسر فلان تا به هفتمین نفر از فرزندان فلان (منصور عباسی) رسید (که اینان به حکومت می‌رسند).

عرض کردم: قربانت گردم، پس نشانه میان ما و شما (برای خروج شما و قیام) چیست؟

فرمود: ای فضل! از جای خود حرکت مکن تا اینکه سفیانی خروج کند، پس هرگاه سفیانی خروج کرد، به سوی ما روی آورید - این جمله را سه بار تکرار کرد - و این از نشانه‌های حتمی (ظهور حضرت ولیعصر امام قائم (عج)) است.^۱

سند

در مرآة العقول^۲ آمده است که حدیث مزبور «موثق» است، ولی در تنقیح المقال^۳، فضل بن سلیمان کاتب را امامی مجهول الحال معرفی می‌کند.

یادآور می‌شود که وی کاتب دربار منصور عباسی و پسرش مهدی عباسی، و عهده‌دار حساب ثبت و ضبط خراج و مالیاتها بوده است^۴

مُفَاد

۱ - فراهم نبودن شرایط زمانی برای امامت امام صادق علیه السلام ولذا نقل شده که آن حضرت

۱- روضة الكافي، حدیث شماره ۴۱۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۹۷.

محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن عبدالرحمن بن ابی هاشم، عن الفضل الکاتب قال: كنت عند أبي عبدالله عليه السلام فأتاه كتاب أبي مسلم؛ فقال: ليس لكتابك جواب، أخرج عننا.

فجعلنا يساراً بعضنا بعضاً؛ فقال:

«أى شيء تسارون يا فضل؟ إن الله عز ذكره لا يعجل لعجلة العباد ولإزالة جبل عن موضعه أيسر من زوال ملك لم ينقض أجله؛ ثم قال: إن فلان بن فلان حتى بلغ السابع من ولد فلان».

قلت: فما العلامة فيما بيننا وبينك جعلت فداك؟

قال: لا تبرح الأرض يا فضل حتى يخرج السفيناني فإذا خرج السفيناني فأجيبوا إلينا - يقولها ثلاثاً - وهو من المحتوم».

۲- مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۲۸۰.

۳- تنقیح المقال، ج ۲، ص ۸، شماره ۹۴۶۸.

۴- همان؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۲۸۷، شماره ۹۳۵۱: «كان يكتب للمصور والمهدى على ديوان الخراج».

در پاسخ به نامهٔ ابومسلم مروزی فرموده است:
«ما أنت من رجالی ولا الزمان زمانی»^۱؛ نه تو
از یاران منی و نه زمانه زمانه من است.

۲- نهی از شتابزدگی برای قیام.

۳- بیان خبر غیبی که هفت تن از تبار منصور
عبّاسی حکومت خواهند کرد.

۴- بیان برخی از نشانه‌های قطعی ظهور ولی
عصر(عج).

۹- روایت ابوبصیر

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند
که آن حضرت فرمود:

هر پرچمی که پیش از قیام حضرت
قائم(عج) برافراشته شود، صاحب آن طاغوت
است که در مقابل خداوند عزوجل پرستش
می‌شود.^۲

سند

سلسلهٔ سند روایت مزبور، همان‌گونه که
عالمهٔ مجلسی رحمته الله علیه نوشته مؤتق^۳ و معتبر است.

مفاد

نهی از همراهی با پرچمی که دارای دعوت
نفسانی باشد؛ زیرا با توجه به فقرهٔ پایانی روایت
شماره ۴۵۶ روضة الكافی: «من رفع رایة ضلالة
فصاحبها طاغوت» اطلاق روایت یاد شده بر
حسب مقتضای جمع عرفی باید مقید شود
و بنابراین هر کسی که پرچم ضلالت و گمراهی

برافرازد وداعیهٔ نفسانی داشته باشد، صاحب آن
طاغوت است، نه کسی که به حق و حکم الهی
دعوت می‌کند.

۱۰- روایت مالک بن اعین

مالک بن اعین جهنی گوید: از امام باقر علیه السلام
شنیدم که می‌فرمود:

هر پرچمی که پیش از قیام حضرت
قائم علیه السلام برافراشته شود، صاحب آن طاغوت
است.^۴

مفاد این روایت نیز همچون روایت ابوبصیر

۱- بنگرید به: الملل والنحل، محمد بن عبدالکریم
شهرستانی، ترجمه مصطفی خالقداد هاشمی
عبّاسی، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲- روضة الكافی، حدیث شماره ۴۵۲؛ وسائل الشیعه، ج
۱۱، ص ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۱۴۳.

محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن
الحسین بن سعید، عن حماد بن عیسی، عن
الحسین بن المختار، عن ابي بصیر، عن ابي
عبدالله علیه السلام قال: «كل رایة ترفع قبل قیام القائم
فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله عزوجل».

۳- مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۳۲۵.
۴- غیبت نعمانی، باب ۵، روایت شماره ۱۱ (و نیز شماره
۱۲)؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۴، باب ۱۲، ح
۱۲۳۶۵.

أخبرنا علی بن الحسین قال: حدّثنا محمد بن یحیی
العطار بقم قال: حدّثنا محمد بن حسان الرّزّی، قال:
حدّثنا محمد بن علی الكوفی، عن علی بن الحسین،
عن ابن مُسکان، عن مالک بن أعین الجهنی قال:
سمعت ابا جعفر الباقر علیه السلام يقول:
«كل رایة ترفع قبل قیام القائم علیه السلام، صاحبها
طاغوت».

است که نگاشته شد.

عبدالسلام بن نعیم^۳ و سدیر و نامه‌های افراد دیگری را به خدمت امام صادق علیه السلام بردم، (به این مضمون که:) ما پیش‌بینی می‌کنیم که امر خلافت به شما واگذار شود، شما چه نظری دارید؟

امام علیه السلام نامه‌ها را به زمین زد و فرمود: اوه، اوه، من امام اینان نیستم، آیا نمی‌دانند که (برای رسیدن خلافت به ما خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله) باید سفیانی کشته شود؟^۴

۱۱- روایت عمر بن حنظله

عمر بن حنظله گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

پیش از قیام حضرت قائم (عج) پنج نشانه است: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، فرو رفتن (لشکر سفیانی در زمینی به نام بیداء)، کشته شدن نفس زکیه و خروج یمانی.

عرض کردم: فدایت شوم اگر یکی از خاندان شما پیش از وقوع این نشانه‌ها قیام کند، آیا ما با او قیام کنیم؟
فرمود: نه!

سند

از لحاظ سند، حسن و بلکه شهید ثانی آن را صحیح شمرده است.^۲

مُفَاد

۱ - بیان نشانه‌های پیش از ظهور ولی عصر حجّة بن الحسن العسکری (عج).

۲ - نهی از همراهی با هر قیامی به عنوان قیام قائم موعود، پیش از ظهور آن حضرت.

۱۲- روایت مُعلی بن خُنَیس

وی گوید: در زمانی که سپاه جامگان (یعنی طرفداران ابومسلم خراسانی) ظاهر شده بودند پیش از اینکه بنی عباس ظاهر شوند، من نامه

۱ - روضة الکافی، حدیث شماره ۴۸۳: محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم، عن أبی آیوب الخزار، عن عمر بن حنظلة قال: سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول: «خمس علاماتٍ قبل قیام القائم: الصّیحة، والسّفیانی، والخسف، وقتل النّفس الرّکیه، والیمانئ.»

فقلت جعلت فداک إن خرج أحدٌ من أهل بیتک قبل هذه العلامات أخرج معه؟ قال: «لا». (بخشی از روایت مزبور در کتاب غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۹ آمده است).

۲ - مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۴۰۶.
۳ - منظور همان عبدالسلام بن عبدالرحمان نعیم است که با سدیر زندانی شده بود.
۴ - روضة الکافی، حدیث شماره ۵۰۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۹۷ و ج ۵۲، ص ۲۶۶.

حمید بن زیاد، عن أبی العباس عبیدالله بن أحمد الدّهقان، عن علی بن الحسن الطاهری، عن محمد بن زیاد بیاع السابری، عن أبان، عن صباح بن سیّابة، عن المعلی بن خنیس قال: ذهب بکتاب عبدالسلام بن نعیم و سدیر و کتب غیر واحد إلى أبی عبد الله علیه السلام حین ظهرت المسوّدة قبل أن یظهر

←

مُفَاد

(معروف به زید النّار) را که در (سال ۱۹۹ هـ ق) در بصره خروج کرد و خانه‌های بنی العباس را آتش زده بود نزد مأمون عباسی بردند، مأمون جرم او را به‌خاطر برادرش، علی بن موسی الرضا علیه السلام بخشید و به حضرت رضا علیه السلام گفت: ای ابالحسن! اگر برادرت قیام کرده و آنچنان کارهایی انجام داده درگذشته نیز زید بن علی قیام کرد و کشته شد و اگر به‌خاطر جایگاه تو نزد من نبود، او را می‌کشتم؛ زیرا کاری که انجام داد کوچک نبوده است.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: ای امیرالمؤمنین!^۱ برادرم زید را با زید بن علی مقایسه مکن؛ زیرا زید بن علی از علمای آل محمد صلی الله علیه و آله بود که برای خداوند عزوجل غضب کرد و با دشمنان او

۱ - بیان درک نادرست پیشنهاد کنندگان از اهداف و مقاصد سپاه‌جامگان که برای جلب توجه و فریب افکار عمومی «الرّضا من آل محمد صلی الله علیه و آله» را شعار خود قرار داده بودند.
۲ - بیان برخی از نشانه‌های قطعی ظهور حضرت مهدی (عج).

۱۳- روایت آنس بن محمد

پدر انس بن محمد از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام روایت می‌کند که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در ضمن وصیت به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود:
ای علی! به راستی از جا کندن و برافکندن کوههای استوار از برافکندن حکومتی که دوران آن به سر نیامده باشد آسان‌تر است.^۱

مُفَاد

بیان مشکلات مبارزه، آن هم با حکومتی که عمرش سپری نشده باشد.

۱۴- روایت ابن ابی عبدون

شیخ صدوق ابن بابویه در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام، بابی را تحت عنوان «سخنان حضرت رضا علیه السلام در باره زید بن علی بن الحسین» گشوده و از ابن عبدون از پدرش چنین نقل می‌کند:
زمانی که زید بن موسی بن جعفر علیه السلام -

→ ولد العباس بانّا قد قدرنا أن يؤول هذا الأمر إليك فماتری؟ قال: فاضرب بالكتب الأرض، ثم قال: «أف أف ما أنا لهؤلاء يا مام، أما يعلمون أنه إنما يقتل السفیانی».

۱ - من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۴، ح ۵۷۶۲ (باب النوادر، آخر ابواب الكتاب)؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۸:

روی حماد بن عمرو، و آنس بن محمد عن ابيه جميعاً، عن جعفر بن محمد، عن ابيه، عن جدّه، عن عدی بن ابی طالب علیه السلام، عن النبی صلی الله علیه و آله، أنه قال له:

«... یا علی! إن إزالة الجبال الرّواسی أهون من إزالة ملك مؤجل لم تنقض أيامه».

۲ - یعنی کسی که اکنون زمام امور ممالک اسلامی را در دست دارد، و مانند واژه امام بر عادل و جائر اطلاق می‌شود. (این تعبیر از ائمه هدی علیهم السلام درباره مثل مأمون، تقیه است).

جهاد کرد تا در راه او کشته شد.

مخاطبان به خطاب این آیه بود: ﴿وَجَاهِدُوا فِي
اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ﴾.

پدرم موسی بن جعفر علیه السلام برایم نقل کرد که
از پدرش جعفر بن محمد بن علی علیه السلام شنیدم که
می فرمود: خداوند عموم زید را رحمت کند؛
زیرا او مردم را به رضا (و شخص پسندیده) از آل
محمد صلی الله علیه و آله دعوت می کرد و اگر پیروز می شد،
به آنچه مردم را بدان دعوت می کرد وفا می نمود،
و با من درباره قیامش مشورت کرد و من به او
گفتم: ای عمو! اگر راضی هستی که کشته شوی
و در محله کُناسه^۱ پیکرت به دار آویخته شود،
این کار را انجام بده.

پس از رفتن زید، امام صادق علیه السلام فرمود:
وای بر کسی که فریاد کمک خواهی زید را بشنود
و او را یاری نکند.

مأمون گفت: ای ابا الحسن! آیا روایاتی در
مذمت کسی که به ناحق ادعای امامت کند وارد
نشده است؟

حضرت رضا علیه السلام فرمود: همانا زید بن علی
ادعای ناحق نکرد، او با تقواتر از این بود که چنین
کند، او می گفت: شما را به شخص مَرَضِيّ
و پسندیده از آل محمد صلی الله علیه و آله دعوت می کنم.

آن روایاتی که وارد شده در مورد کسی است
که ادعا کند منصوب از جانب خداست و مردم را
به غیر دین خدا دعوت کند و آنان را بدون علم از
راه خدا منحرف سازد (و گمراه کند)، ولی به خدا
سوگند زید بن علی از (مجاهدان فی سبیل الله و)

۱- محله ای است در کوفه.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمید رضا مستفید -
علی اکبر غفاری، (با اندکی تغییر)، نشر صدوق،
چاپ ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۵۱۵، باب ۲۵، ح ۱؛ وسائل
الشیعه، ج ۱، ص ۳۸.

حدَّثنا أحمد بن یحیی المکتب قال: أخبرنا محمد بن
یحیی الصّولی قال: حدَّثنا محمد بن یزید النّحوی
قال: حدَّثنی ابن اَبی عبدون، عن اَبیه قال: لما حمل
زید بن موسی بن جعفر إلى المأمون وقد كان خرج
بالبصرة وأحرق دور ولد العباس، وهب المأمون
جرمه لأخیه علی بن موسی الرضا علیه السلام وقال له:
یا ابا الحسن لئن خرج أخوک وفعل ما فعل، لقد
خرج قبله زید بن علی فقتل، ولولا مکانک منی
لقتلته، فلیس ما أتاه بصغیر!!

فقال الرضا علیه السلام: «یا امیر المؤمنین لاتقس أخی
زیداً إلى زید بن علی، فإنه کان من علماء آل محمد
غضب لله عزّوجلّ، فجاهد أعداءه حتّی قتل فی
سبیله، ولقد حدّثنی اَبی موسی بن جعفر علیه السلام
أنّه سمع اباہ جعفر بن محمد بن علی علیه السلام یقول:
رحم الله عمّی زیداً إنّه دعا إلى الرضا من آل محمد،
ولوظفر لوفی بما دعا إليه، ولقد استشارنی فی
خروجه، فقلت له: یا عمّ إن رضیت أن تكون المقتول
المصلوب بالکناسة فشانک، فلمّا وئین، قال جعفر بن
محمد: ویلّ لمن سمع واعیته فلم یجبه.»

فقال المأمون: یا ابا الحسن ألیس قد جاء فی من
ادعی الإمامة بغير حقّها ما جاء؟

فقال الرضا علیه السلام: «إن زید بن علی لم یدع ما لیس
له بحقّ، وإنّه کان اتقی لله من ذلك، إنّه قال: أدعوکم
إلی الرضا من آل محمد علیه السلام، وإنّما جاء ما جاء
فی من یدعی أن الله تعالی نصّ علیه ثمّ یدعوا إلى
غیر دین الله ویضلّ عن سبیله بغير علم، وکان زید
والله ممّن خوطب بهذه الآیة: ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ
حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ﴾.

مُفَاد

و فاسد المذهب، معرفی کرده است.^۲

۱ - بیان منزلت و مقام زید بن علی بن الحسین علیه السلام و اینکه قیام او، جهاد در راه خدا بود.

۲ - زید بن علی، ادعای امامت نداشت، بلکه مردم را به شخص مرضی از آل محمد صلی الله علیه و آله فرامی خواند.

۳ - اخبار از آینده زید.

۴ - لزوم اجابت و کمک به درخواست زید، زمانی که فریاد کمک خواهی او را بشنوند.

۵ - نهی از پیروی مدعیان دروغین امامت.

۱۵- روایت ابی عبدالله سیّاری

وی از یکی از یارانش روایت کرده که در محضر امام صادق علیه السلام سخن از قیام کسی از آل محمد صلی الله علیه و آله به میان آمد.

حضرت فرمود: همواره من و شیعیانم به خیر هستیم مادامی که مبارزی از آل محمد صلی الله علیه و آله قیام نماید. هر آینه دوست دارم مبارزی از خاندان پیامبر خروج و قیام کند و من هزینه زندگی افراد تحت تکفل او را عهده دار باشم.^۱

سند

اولاً روایت یاد شده «مُرْسَل» است و راوی اصلی مشخص نیست و روایت مُرْسَل از انواع حدیثهای ضعیف شمرده می شود.

ثانیاً در رجال نجاشی ابو عبدالله سیّاری یعنی احمد بن محمد بن سیّار را ضعیف الحدیث

مُفَاد

روایت مزبور نه تنها از ادله عدم جواز قیام پیش از قیام جهانی حضرت مهدی (عج) نمی باشد، بلکه از ادله جواز آن محسوب می شود.

۱۶- روایت ابوالحسن عبیدی

وی از امام صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمود:

هیچ بنده ای جان خود را در راه خدا حبس نمی کند مگر اینکه خداوند او را به بهشت وارد می سازد.

مُفَاد

چنانچه حبس نفس، به معنای وقف جان در راه خدا باشد، این روایت نیز همچون روایت

۱ - آخر کتاب السرائر (المستطرفات)، ج ۳، ص ۵۶۹، نقل از کتاب ابو عبدالله سیّاری؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹: أبو عبدالله السیّاری، عن رجل من أصحابنا، قال: ذکر بین یدی أبی عبدالله علیه السلام من خرج من آل محمد صلی الله علیه و آله.

فقال علیه السلام: «لا زال أنا وشیعتی بخیر ما خرج الخارجی من آل محمد، ولوددت أن الخارجی من آل محمد خرج وعلی نفقه عیاله».

۲ - رجال النجاشی، مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶هـ.ق، ص ۸۰، شماره ۱۹۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۲۲۷، شماره ۱۴۴۹۷.

سیاری از ادله جواز قیام پیش از قیام جهانی ولی عصر (عج) شمرده می‌شود.^۱

وزمین از فرو بردن لشکر (سفیانی) آرام است، شما (نیز) آرام باشید.^۴

۱۷- روایت حسین بن خالد

حسین بن خالد گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، حدیثی است که عبدالله بن بُکَیر از عبیدبن زراره آن را روایت می‌کند (و من دوست دارم آن را بر شما عرضه کنم).^۲

امام علیه السلام فرمود: آن حدیث چیست؟

عرض کردم: عبیدبن زراره گفته است: در سالی که ابراهیم (محمد) بن عبدالله بن حسن قیام کرد، با امام صادق علیه السلام دیدار کردم و به ایشان گفتم: فدایت گردم، این شخص (یعنی محمد بن عبدالله محض خروج نمود^۳ و) سخنرانی کرد و مردم به وی روی آوردند، چه دستوری می‌فرمایید؟

حضرت فرمود: تقوا داشته باشید و مادامی که آسمان وزمین برقرار است آرام باشید. عبدالله بن بُکَیر می‌گوید: به خدا سوگند اگر عبیدبن زراره راست گفته باشد، پس نه قیامی در کار است و نه قائمی!

راوی گوید: حضرت فرمود: حدیث همان است که عبید روایت کرده، ولی معنایش آن نیست که عبدالله بن بُکَیر فهمیده، بلکه مراد امام صادق علیه السلام این بود که مادامی که آسمان از صدا (یعنی صیحه آسمانی) به نام صاحب الزمان،

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹: الحسن بن محمد الطوسی فی مجالسه عن أبيه، عن المفید، عن ابن قولویه، عن أبيه، عن سعد، عن أحمد بن محمد، عن علی بن أسباط، عن عمه یعقوب بن سالم، عن أبي الحسن العیبدی، عن الصادق علیه السلام قال: «ما كان عبدٌ لیحبس نفسه علی الله إلا أدخله الله الجنة.»

۲- ترجمه عبارت موجود در وسائل الشیعه است.

۳- بنگرید به: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمید رضا مستفید - علی اکبر غفاری (با اندکی تغییر)، ج ۱، ص ۶۲۵، باب ۲۸، ح ۷۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰ (با تفاوت در سلسله سند و نیز تفاوت اندکی در متن روایت):

... عن الحسن بن خالد الكوفی، عن أبي الحسن الرضا علیه السلام، قال: قلت: جعلت فداك حدیث كان یرویه عبدالله بن بُکَیر عن عبیدبن زراره، قال: فقال علیه السلام لی: وما هو؟ قلت: روی عن عبیدبن زراره، أنه لقی أبا عبدالله علیه السلام فی السنة التي خرج فیها محمد «إبراهیم» بن عبدالله بن الحسن، فقال له: جعلت فداك، إن هذا قد ألف الكلام وسارع الناس إليه فما ألدی تأمر به؟ (در وسائل الشیعه آمده است: إن محمد بن عبدالله قد خرج فما تقول فی الخروج معه؟)

فقال: «أتقوا الله واسكنوا ما سكنت السماء والأرض.» قال: وكان عبدالله بن بُکَیر یقول: والله لئن كان عبیدبن زراره صادقاً فما من خروجٍ وما من قائمٍ، قال: فقال لی أبو الحسن علیه السلام:

«إن الحدیث علی ما رواه عبیدٌ وليس علی ما تأوله عبدالله بن بُکَیر، إنما عنی أبو عبدالله علیه السلام بقوله: ما سكنت السماء من النداء باسم صاحبكم وما سكنت الأرض من الخسف بالجیش.»

مُفَاد

مدّت به سر نرسد کوشش نتیجه‌ای ندارد).

مُفَاد

لزوم تبعیت از امام عَلَيْهِ السَّلَام در قیام و وقوع و نهی از قیام بدون اذن امام ^۲.

۱- نهی از همراهی با هر قیامی به عنوان قیام مهدی موعود، پیش از قیام جهانی ولی عصر (عج).

۲- رد قیام محمد بن عبدالله محض با ادّعی مهدویت.

۳- بیان دو نشانه از نشانه‌های قطعی ظهور حضرت قائم (عج).

۱۹- روایت جابر جَعْفِيّ

جابر بن یزید جَعْفِيّ از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده که آن حضرت فرمود: سر جای بنشین، دست و پایت را (برای قیام) به حرکت در نیاور تا نشانه‌هایی که برایت یاد می‌کنم ببینی که نخستین آنها اختلاف بنی عبّاس است و من در تو نمی‌بینم که (عمرت کفاف دهد تا) آن را درک

۱۸- سخنی از نهج البلاغه

محمد بن حسین رضی موسوی، معروف به سید رضی، در نهج البلاغه، از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب نقل کرده که آن حضرت فرمود:

۱- نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی، خطبه ۲۳۱؛ صبحی صالح، ص ۲۸۲، خطبه ۱۹۰؛ فیض الإسلام، خطبه ۲۳۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۰: «الزموا الأرض، واصبروا علی البلاء، ولا تحزکوا بأیدیکم و سیوفکم فی هوی ألسنتکم، ولا تستعجلوا بما لم یعجله الله لکم، فإنّه من مات منکم علی فراشه وهو علی معرفة حقّ ربّه وحقّ رسوله واهل بینه مات شهیداً، ووقع أجره علی الله، واستوجب ثواب ما نوى من صالح عمله، وقامت الثبّة مقام إصلاّته لسيفه، فإنّ لكلّ شیء مدّةٌ وأجلٌ».

۲- غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث شماره ۶۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۱: محمد بن الحسن فی (کتاب الغیبة) عن الفضل بن شاذان، عن الحسن بن محبوب، عن عمرو بن أبی المقدام، عن جابر بن یزید الجَعْفِيّ، عن أبی جعفر عَلَيْهِ السَّلَام قال: «الزم الأرض ولا تحزک یبدأ ولا رجلاً حتّی تری علاماتٍ أذکرها لک، أوّلها إختلاف بنی العبّاس وما أراک تدرك ذلك ولكن حدثت به من بعدی عنی، و منادٍ ینادی من السّماء....».

سر جای خود بنشینید (و برای قیام شتاب مکنید). در برابر بلا، مقاوم باشید. دستها و شمشیرهایتان را در جهت خواسته‌های زبانتان حرکت ندهید. نسبت به آنچه خدا در آن شتاب قرار نداده شتاب مکنید؛ زیرا هر که از شما در بسترش بمیرد در حالی که به حق پروردگارش و حق پیامبر و اهل بیت پیامبر، معرفت و شناخت داشته باشد شهید از دنیا رفته و اجر او با خداست، و سزاوار ثواب اعمال شایسته‌ای است که قصد انجام آن را داشته است، و همان قصد (انجام اعمال صالح) جانشین شمشیر کشیدن (در راه خدا) است. (بدانید که) برای هر چیزی مدّت و به سر رسیدنی است ^۱ (که تا آن

کنی، ولی پس از آن را از من نقل کن.
(دوم:) ندا دهنده‌ای از آسمان ندا می‌کند^۱...

کنید، و اگر از شما یاری خواستند به یاری آنان
بشتابید تا پاداش برید، ولی از آنان پیشی مگیرید
که گرفتاری شما را فرا می‌گیرد.

مُفَاد

شخص دیگری برخاست و عرض کرد: ای

امیر مؤمنان! پس از این چه می‌شود؟

فرمود: آن‌گاه خداوند فتنه‌ها را همچون جدا
شدن پوست از گوشت، به وسیلهٔ مردی از ما
اهل بیت از شما جدا می‌کند. پدرم فدای فرزندی
برگزیدهٔ کنیزان^۲ باد که دشمنان را خوار می‌سازد
و جام پر (از بلا و مصیبت) به آنان می‌نوشاند،
و به آنان جز طعمهٔ شمشیر نمی‌دهد... تا اینکه
قریش (زبان به اعتراض گشوده) بگویند: اگر از
اولاد فاطمه علیها السلام بود به ما رحم می‌کرد^۳.

۱ - ردّ قیامهایی تحت عنوان قیام قائم

موعود.

۲ - بیان برخی از نشانه‌های قطعی قیام
حضرت مهدی (عج).

۲۰- روایت زرّ بن حُبیش

از زرّ بن حبیش نقل شده که امیرالمؤمنین
علی بن ابی طالب علیه السلام در نهروان سخنرانی کرد
و پس از حمد و ثنای خداوند در خطاب به مردم
فرمود:

من چشم فتنه را کور کردم و جز من کسی
جرئت بر آن را نداشت...

مردی به پا خاست و گفت: ای امیر مؤمنان
ما را از فتنه‌ها باخبر ساز.

حضرت فرمود: هرگاه فتنه‌ها روی آورد با
حق مشتبه می‌شود و هنگامی که پشت کند (و)
برطرف شود ماهیت آن بر همگان (روشن
می‌گردد)...

(آن‌گاه بخشی از فتنه‌های پس از خود را
یادآور شد تا اینکه) شخصی برخاست و عرض
کرد: ای امیر مؤمنان! در آن زمان ما چه کنیم؟
(وظیفهٔ ما چیست؟)

فرمود: به اهل بیت پیامبران نگاه کنید، اگر
سکوت و توقّف کردند شما هم سکوت و توقّف

۱ - بنگرید به: شرح نهج البلاغه، ابن میثم بحرانی:
«اختیار مصباح السّالکین»، تحقیق محمّد هادی
امینی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس
رضوی، چاپ اول ۱۳۶۶ ه.ش، ص ۴۴۵، خطبهٔ ۲۳۱.
۲ - همان گونه که در شرح نهج البلاغه علامهٔ خوئی، ج ۷،
ص ۹۱ آمده است این فقره با توجه به روایات
موجود در کتاب الغارات، غیبت نعمانی، باب ۱۳
حدیث شماره ۱۱، و... اشاره به وجود مقدس ولی
عصر حجّه بن الحسن العسکری (عج) می‌باشد.
۳ - الغارات، ابواسحاق ابراهیم بن محمّد ثقفی کوفی
متوفای ۲۸۳ ه.ق، تحقیق سید جلال الدّین حسینی
ارموی (محدّث)، سلسله انتشارات انجمن آثار
ملّی، ۱۳۵۰ ه.ش، ج ۱، ص ۱ به بعد؛ وسائل الشیعه،
ج ۱۱، ص ۴۱، و نیز فقراتی در نهج البلاغه، صبحی
صالح، خطبهٔ ۹۳: ابراهیم بن محمّد بن سعید الثقفی،
عن اسماعیل بن أبان، عن عبدالغفار بن القاسم، عن
المنصور بن المعتمر، عن المنهال بن عمرو، عن
زرّ بن حبیش قال: خطب علی علیه السلام بالنّهروان
←

«در روایتی چند، که رسیده است که پیش از پیدا شدن آثار قیام «قائم» دست به اقدامی ننزید، ظاهراً مقصود - بر فرض صحّت این روایات - اقدام برای تأسیس حکومت جهانی و نشر توحید و عدل، در آفاق تا آفاق گیتی است؛ زیرا که این گونه اقدامی کار هیچ کس نیست، جز ولیّ اعظم و مصلح اکبر. و آن انقلاب است که آثار کیهانی دارد، و گسترهٔ جهانی. و این مهدی موعود است که همهٔ جهان به دست او فتح می‌شود، و دژهای کفر و نفاق و ستم ویران می‌گردد، و کلمهٔ توحید، و ناموس عدل، همه جا را می‌گیرد.»

«باید مقصود از آن روایات آنچه گفتیم باشد؛

→ فحمد الله وأثنى عليه، ثم قال: «أَيُّهَا النَّاسُ - أَنَا فَعَاتُ عَيْنِ الْفِتْنَةِ وَلَمْ يَكُنْ أَحَدٌ لِيَجْتَرِئَ عَلَيْهَا غَيْرِي...»
فقام رجلٌ فقال: يا أمير المؤمنين حدّثنا عن الفتن.
فقال ﷺ: «إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ، وَإِذَا أُدْبِرَتْ تَبَّهَتْ...»

- ثمّ ذكر الفتن بعده إلى ان قام - فقام رجلٌ فقال: يا أمير المؤمنين ما نضع في ذلك الزّمان؟
قال ﷺ: «انظروا أهل بيت نبيكم فإن لبدوا فالبدوا، وإن استصرخوكم فانصروهم توجروا، ولا تنسقوهم فتصرعكم البليّة.»
فقام رجلٌ آخر، فقال: ثمّ ما يكون بعد هذا يا أمير المؤمنين؟

قال ﷺ: وثمّ إنّ الله تعالى يفرّج الفتن برجلٍ منّا أهل البيت كتفريج الأديم، بأبي ابن خيرة الإمام (يعنى القائم ﷺ)، يسومهم خسفاً، ويستقيهم بكأسٍ مصبّرة، فلا يعطيهم إلاّ السيف... حتّى تقول قريش: لو كان هذا من أولاد فاطمة ﷺ لرحمنا.»

۱ - لزوم تبعیت از امام ﷺ در قیام و قعود و نهی از شتابزدگی و تندروی.
۲ - نوید رفع فتنه و فساد با ظهور حضرت مهدی (عج).

جمع بندی و نتیجه گیری

بر فرض صحّت و اعتبار سند روایات مزبور و صدور از مقام معصوم ﷺ ظاهراً ناظر به یکی از جهات زیر است:

۱ - ردّ ادّعای مدّعیان دروغین مهدویّت؛ مانند روایت عیص بن قاسم، ابوبصیر، مالک بن اعین، ابن ابی عبدون و حسین بن خالد.

۲ - بیان برخی از نشانه‌های قطعی ظهور قائم به حق جهانی و رفع شبهه در جهت شناخت قائمان ناحق نفسانی؛ مانند روایت عیص بن قاسم، سدیر صیرفی، فضل بن سلیمان کاتب، عمر بن حنظله، معلی بن خنیس، حسین بن خالد و جابر بن یزید جعفی.

۳ - لزوم تبعیت از امام معصوم ﷺ و محور قرار دادن آن حضرت در قیام و قعود؛ مانند عبارات نقل شده از نهج البلاغه (بنگرید به: شماره ۱۸ یاد شده) و روایت زرّین حُبیش.

۴ - احتمال بیان انحصار قیام عدل فراگیر جهانی و پیروزی کامل در سطح کرهٔ زمین در وجود مقدّس موعود الهی حضرت مهدی (عج).

در این خصوص بنگرید به روایت ربّعی.
نویسندهٔ دانشمند کتاب خورشید مغرب

زیرا که در مرحله شناخت اسلام و تعالیم اسلام، واجتماعیات و سیاسیات اسلام، و اخلاق اسلامی، و تکالیف اسلامی، نمی‌توان پذیرفت که حوزه‌های مسلمین از اقدامهای اجتماعی، و مبارزات حق‌طلبانه سیاسی، و حضورهای تکلیفی، و تعهدهای دینی و تعاون بر «بِرِّ و تقوا» و عدم تعاون بر «اِثم و عُدوان» معاف باشند. نمی‌توان پذیرفت که برای مسلمین جایز باشد که ظلم را تحمل کنند، و استعمار و بردگی را بپذیرند، و سیطرهٔ یهود و نصاری و ملحدان را گردن نهند، و اقدامها و تکلیفها و شهادتها را یکسو افکنند، و محو آثار دین خدا و احکام خدا را بنگرند، و دم بر نیاورند. این امور پذیرفتنی نیست، اینها به معنای رفع تکلیف و محو احکام است. و این امر، بدیهیُّ البُطلان است. حلال محمد ﷺ تا قیامت حلال است، و حرام محمد ﷺ تا قیامت حرام... و در این جهت، میان هیچ عصری با عصر دیگر فرقی نیست، چه عصر غیبت و چه دیگر عصرها.^۱

۵ - نهی از همراهی با قیام بدون مجوز شرعی و بدون اذن قائم به حق؛ مانند روایت ابوبصیر، عمر بن حنظله و حسین بن خالد.

۶ - بیان مشکلات مبارزه که از جا کردن کوه استوار مشکل‌تر است؛ مانند روایت آنس بن محمد.

۷ - لزوم فراهم بودن شرایط مناسب، تهیة مقدمات و امکانات از عدّه و عدّه، برنامه‌ریزی دقیق و نهی از شتابزدگی؛ (مانند روایت

ابی الجارود، ابوالمرهف، فضل کاتب، شماره ۱۸، زرّین حُبیش) و این شرطی است عقلی که امام نیز به آن ارشاد فرموده‌اند.

۸ - احتمال اخبار از غیب؛ مانند فضل بن سلیمان کاتب، و غیر آن.

۹ - گاه روایت ناظر به موارد خاص (و قضایای شخصی و خارجی) می‌باشد؛ مانند روایت سدید و ابوالمرهف.

۱۰ - احتمال اینکه ناظر به زمان خاصی باشد؛ مانند روایت ابی المرهف.

۱۱ - احتمال اینکه از باب «تقیّه» باشد که منافاتی با مبارزه و جهاد ندارد، بلکه به موجب روایاتی مانند: «إِنَّ التَّقِيَةَ حُجَّةُ الْمُؤْمِنِ»^۲، و «التَّقِيَةُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ»^۳، تقیّه سپر مؤمن است، و بدیهی است که کاربرد سپردر میدان مبارزه می‌باشد و نه در بستر استراحت. بنابراین «تقیّه» عبارت است از حفظ جان در مقام انجام وظیفه.

۱۲ - پاره‌ای از روایت مزبور در تأیید قیام و مبارزه با نارواییهاست؛ مانند روایت ابو عبدالله سیّاری و ابوالحسن عیبی.

در پایان یادآور می‌شود که بر فرض صحّت روایات یاد شده و ظهور دلالت برخی از آنها در

۱ - خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، زمستان ۱۳۶۰ ه.ش، ص ۴۴۹.

۲ - الأصول من الکافی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، ج ۳، ص ۲۳۳ و ۲۳۵، باب ۹۷، ح ۱۴ و ۲۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۰، کتاب الأمر بالمعروف و...، باب ۲۴، حدیث شماره ۴.

۳ - همان، حدیث شماره ۶.

منابع و مآخذ

اختیار مصباح السالکین (شرح نهج البلاغه الوسیط)، کمال‌الدین میثم‌بن علی‌بن میثم بحرانی (۶۳۶-۶۸۹هـ.ق)، تحقیق محمد هادی امین، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ ش. الأصول من الکافی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، معروف به ثقة الإسلام کلینی

۱- از قبیل: کتاب الغیبة نعمانی، باب ۱۴، ح ۱۳، ص ۲۵۶: روایت ابوبصیر از امام باقر علیه السلام که آن حضرت فرمود:

«و لیس فی الزایات رایة اهدی من رایة الیمانی، هی رایة هدی لانه یدعو الی صاحبکم فإذا خرج الیمانی، حرم بیع السلاح علی الناس وکل مسلم، وإذا خرج الیمانی فانھض الیه، فان رایته رایة هدی، ولا یحل لمسلم ان یتلوی علیه، فمن فعل ذلك فهو من اهل النار لانه یدعو الی الحق و الی طریق مستقیم».

و نیز در همان باب، حدیث شماره ۵۰ روایت ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام قال: «کأنتی بقوم قد خرجوا بالمشرق یطلبون الحق فلا یعطونه، ثم یطلبونه فلا یعطونه، فإذا رأوا ذلك وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ما سألوه، فلا یقبلونه حتی یقوموا، ولا یدفعونها إلا الی صاحبکم، قتلاهم شهداء، أما انی لو أدركت ذلك لاستبقيت نفسی لصاحب هذا الأمر». بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، باب ۳۴، ح ۴۰۸۸؛ المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۲۰۰، شماره ۲۸۷: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «یخرج ناس من المشرق فیوظئون للمهدی سلطاناً» و نیز سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶، باب ۳۴، ح ۴۰۸۲.

صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۲، ح ۱۹۲۳: از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «لا تزال طائفة من أمتی یقاتلون علی الحق، ظاهرین الی یوم القیامة» و نیز در همان صفحه، حدیث شماره ۱۹۲۳.

عدم جواز قیام در عصر غیبت، اولاً این گونه روایات، با روایات مؤید قیام پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) برای اجرای عدالت و احکام اسلامی و دفع مظالم معارض می‌باشد که در کتب روایی شیعه و سنی نقل شده است.^۱ ثانیاً در صورت مخالفت دلالت برخی از آنها با قواعد کلی اسلامی و ادله قطعی باب جهاد دفاعی، و امر به معروف و نهی از منکر، به موجب قاعده باب تعارض، باید از ظاهر این گونه روایات صرف نظر کرد.

ثالثاً قیام و اقدام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به صریح گفتار و رفتار معظم له که همه ثبت و ضبط است و ما خود شاهد آن بودیم، برای حفظ کیان اسلام و کشور امام زمان و عزت مسلمین بود که مورد هجوم ابرقدرتها و صهیونیسم و فرق ضاله واقع شده بود، در حدی که دیگر جایی برای تقیه نبود، و به همین جهت از حمایت گسترده علمای اعلام و روحانیان فداکار و عموم مردم برخوردار گردید. بنابراین نمی‌تواند مصداق قیامهایی باشد که در بعضی روایات از آنها منع شده، بلکه مصداق بارز قیام برای خدا و انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و تکلیف شرعی می‌باشد، و اگر بعداً نقاط ضعف و دشواریهایی پیش آمد نباید مربوط به آن هدف مقدس خدایی دانست.

(م ۳۲۹هـ)، ترجمه محمد باقر كمره‌ای، منشورات المكتبة الإسلامية، سال ۱۳۹۲هـ.
بحار الأنوار، الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام (دوره صد وده جلدی)، مولى محمد باقر مجلسی معروف به علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰هـ)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳هـ.
تنقیح المقال فی احوال الرجال (دوره سه جلدی)، محمد حسن مامقانی (م ۱۳۲۳هـ)، قطع رحلی.
خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، زمستان ۱۳۶۰ش.
الروضه من الکافی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی معروف به ثقة الإسلام کلینی (م ۳۲۹هـ)، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیّه.
السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، محمد بن ادريس جلی معروف به ابن ادريس جلی (م ۵۹۸هـ)، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
صحیح مسلم، ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، تحقیق و تعلیق موسی شاهین لاشین - أحمد عمر هاشم، مؤسسه عزالدین للطباعة والنشر، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۷هـ / ۱۹۸۷م.
سُنن ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی (۲۰۷-۲۷۵هـ)، تعلیق محمد فؤاد عبدالباقی، دار احیاء الكتب العربیة، عیسی البابی الحلبي و شركاه.
صحیفه كامله سجادیه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الإسلام، جمادی الأولى ۱۳۷۵هـ.
علل الشرائع، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق و ابن بابویه (م ۳۸۱هـ)، چاپ نجف اشرف، سال ۱۳۸۵هـ.
عیون اخبار الرضا عليه السلام، شیخ صدوق - ابن بابویه، ترجمه حمید رضا مستفید - علی اکبر غفاری، نشر صدوق، چاپ اول ۱۳۷۲هـ.

الغارات، ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی (م ۲۸۳هـ)، تحقیق سید جلال الدین (محدث)، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰هـ.
کتاب الغیبه، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم نعمانی، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، تهران.
مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، (دوره بیست و شش جلدی)، علامه مجلسی، دارالکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۶۳هـ.
مستدرک الوسائل، (دوره بیست و هفت جلدی)، میرزا حسین نوری طبرسی (۱۲۵۴-۱۳۲۰هـ)، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، قم، چاپ اول ۱۴۰۷هـ.
المعجم الأوسط، (دوره یازده جلدی)، حافظ ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی، (۲۶۰-۳۶۰هـ)، تحقیق محمود الطحان، چاپ ریاض، ۱۴۱۵هـ.
معجم رجال الحديث، (دوره بیست و سه جلدی)، سید ابوالقاسم خوئی (۱۳۱۷-۱۴۱۳هـ)، انتشارات مدینه العلم، قم.
من لا یحضره الفقیه، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (م ۳۸۱هـ)، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، منشورات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴هـ.
نهج البلاغه، گردآورنده: ابوالحسن محمد بن حسن، معروف به سید رضی (۳۵۹-۴۰۴هـ)، تعلیقات صبحی صالح، چاپ بیروت، ۱۳۸۷هـ.
نهج البلاغه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الإسلام، چاپ تهران، بی تا.
وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه (دوره بیست جلدی)، محمد بن حسن، معروف به شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴هـ)، تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، مکتبه الإسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷هـ.

①